

مراد اورنگ

کتاب دینی اهل حق

از مقاله‌های شماره‌های گذشته تا اندازه‌ای با پیشینه بنیانگذار اهل حق و چگونگی پیدایش او آشنائی بدست آمد. در اینجا می‌خواهیم کمی درباره کتاب دین اهل حق که سرچشمه تعالیم و احکام آنان می‌باشد سخن بداریم.

چنانکه قبلاً هم اشاره شد، کتاب دین این سلسله يك رشته سرود هائی است که باگوش کردی اورامی که از سلطان اسحاق و باران نزدیک او می‌باشد این سرودها بنام سرانجام یا کلام سرانجام است و در نزد اهل حق مقدس و محترم می‌باشد. از سرانجام یا کلام سرانجام که بگذریم، برخی سرود هائی است از شعرای اهل حق که بنام کلام معروف هستند و از لحاظ مقام و منزلت در درجه دوم می‌باشد. اما این سرودها به چاپ نرسیده و بطور پراکنده در نزد برخی از پیشوایان مذهبی این گروه از یارسان (اهل حق) می‌باشد. با آنچه گفته شد، چون این سروده‌ها که گنجینه تعالیم و اسرار آئین اهل حق است به چاپ نرسیده، از این رو پژوهندگان نتوانسته‌اند آنجوری که باید از جزئیات این کیش آگاهی به دست آورند، و به همین جهت است که بسیاری از این سلسله هم به چگونگی آئین خود پی نبرده و تصور می‌کنند پایه آئینشان اعتقاد به مقام الوهیت حضرت علی علیه السلام است و بعبارت دیگر خود را علی‌اللهی میدانند. چه خوبست

این سروده‌ها که شاخه‌ای از فرهنگ ایران زمین می‌باشد، با ترجمه فارسی به چاپ برسد و انتشار یابد تا مورد استفاده پژوهندگان و خودیارسان قرار گیرد و در حال سرمگو نماند. جای تأسف است که بیشتر این سروده‌ها را مرحوم نورعلی الهی جمع آوری کرده و در نزد خود نگاه داشته است.

من چند سال پیش به این اندیشه افتادم که نسخه‌هایی از سرانجام را به دست آورم و آنها را بکمک متخصصین در گویش کردی هورامی به فارسی برگردانم و به چاپ برسانم و در دسترس پژوهندگان بگذارم. برای این منظور به استان کرمانشاه سفر کردم. پاسخ‌هایی که میدادند این بود نورعلی الهی در هر جا نسخه‌هایی از سرانجام را سراغ داشته، بنام اینکه میخواهد چاپ کند از صاحبانش گرفته و برده است. من سخنان آنان را باور نمی‌کردم، خیال می‌کردم میل ندارند بدهند و این حرفها را بهانه قرار میدهند. پس از برگشتن به تهران و مذاکره با بعضی دوستان اهل حق و مطالعه کتاب برهان الحق ثابت شد که حرفهای آنان درست بوده و مرحوم الهی این کار را کرده است.

یک روز در مجلسی با بعضی از پژوهندگان صحبت از اهل حق و سروده‌های سرانجام بود، کم‌کم بحث از مرحوم الهی و جمع شدن نسخه‌های زیاد در نزد ایشان به میان آمد. یکی از آنان گفت مرحوم نورعلی الهی بیش از هفتاد شماره از نسخه‌های سرانجام را گردآوری کرده و در نزد خود نگاه داشته است. سایرین این حرف را باور نکردند و آنها را اغراق پنداشتند. آن دوست گرامی فوراً چاپ دوم برهان الحق را آورد و ورق زد و صفحه ۴۵۸ و ۴۵۹ را باز کرد و نشان داد و گفت بخوانید. خواندیم و دیدیم در حدود ۷۲ نسخه کلام سرانجام گردآوری کرده. در صفحه ۴۵۸ سؤالی بدین مضمون درج شده: شهرت دارد

که سرانجام حضرت سلطان يك جلد و آنهم در نزد خاندان آتش بگ (مندرجه در فصل یازدهم) میباشد و سایر خاندانها آن سرانجام را ندارند. نظریه جنابعالی در این مورد چیست ؟ مرحوم نورالهی چنین پاسخ داده : گرچه در خاندان حضرت آتش بگ کلام سرانجام موجود است، ولی نسخه منحصر به فرد نیست، زیرا نزد سایر خاندانها و کلامخوانهای اهل حق از آن کلام بسیار دیده شده است اینکه عرض کردم بسیار دیده شده بی ربط نیست، چونکه نسخه کامل آن سرانجام خاندان آتش بگ را حضرت آقای عبدالعظیم - میرزا طاب الثراه جد حضرت آقای منصور میرزا به مرحوم پدرم مرحمت فرموده است که نزد بنده موجود میباشد. همچنین از سایر خاندانها و کلامخوانهای اهل حق در حدود ۷۲ نسخه کلام سرانجام جمع آوری کرده ایم. حتی تاریخ کتابت بعضی از آنها قریب دوپست سال قبل میباشد.

مطالعه نوشته های مزبور مایه تعجب و تأسف گردید که چرا این همه ذخائر دینی و دانشی در یکجا و به حال بایگانی مانده است. اظهار عقیده شد اکنون که آقای دکتر بهرام الهی (پزشک جراح) جانشین پدرشان هستند و مکتب او را اداره می کنند، حق این است این نسخه ها را به یکی از کتابخانه های مجلس شورای ملی و کتابخانه دانشگاه و کتابخانه فرهنگستان زبان و کتابخانه ملی بدهند یا بفروشند تا پژوهندگان و بویژه طالبین از اهل حق بروند و عکسبرداری کنند و مورد استفاده قرار دهند و به روان پدر ایشان درود فرستند. گذشته از اینکه فایده این کار خیر همگانی است، خود آقای دکتر هم می توانند از هر کدام که بخواهند عکسبرداری کنند و در نزد خود نگاه بدارند.

در این دوره گسترش فرهنگ و دانش که اشخاص نیک اندیش نسخه های خطی را از نهانخانه فراموشی بیرون می آورند و بطور هدیه یا فروش به یکی از کتابخانه ها میدهند و در دسترس همه قرار میدهند. شایسته نیست ۷۲ نسخه

سرانجام دست‌نویس اهل حق که پژوهندگان زیادی دارد در یکجا بماند و سود بخش نباشد.

خوب میدانیم که به احتکار نگاه داشتن کتاب مانند احتکار ارزاق است که گناه دربردارد، زیرا اکتساب غذای روح است و باید در دسترس طالبین قرار گیرد و انتشار یابد. باشد که آقای دکتر الهی با انجام دادن این عمل نیک، نیت خیر خود را در تمایان ساختن آثار نهفتهٔ دینی و دانشی نشان دهند و مایهٔ خوش بینی و سپاسگزاری صدها نفر از طالبین و محققین گردند.

در حال حاضر چند تن از پژوهشگران سرگرم ترجمهٔ سرانجام هستند که آنها را با ترجمهٔ و تفسیر به چاپ رسانند و منتشر سازند. چنانچه به آن نسخه‌ها و بویژه به نسخهٔ کامل سرانجامی که از خاندان آتش‌بگ گرفته شده دسترسی داشته باشند، بی‌گمان کارشاق بهتر و صحیح‌تر میشود و نام صاحب نسخه‌ها نیز به نیکی یاد می‌گردد.

چون در مورد کلامهای سرانجام آگهی‌های لازم به دست آوردیم، اینک حکم سلطان اسحاق را دربارهٔ وجوب روزهٔ سه روزه که به یاد سه شبانه روز به سر بردن در غار معروف به (مرنو) میباشد، در اینجا می‌آوریم:

پولی هام ملی پولی بنیشیم پولی هام ملی

دوازده و ماه نه دلی چلی یری رویاران آما اودلی

ترجمه:

ای گروه یاران همکیش بیایید بنشینیم ای گروه یاران همکیش

دوازدهم از ماه میانهٔ چله سه روزهٔ یاران آمد به میان

مقصود این است روزهٔ سه روزه به یاد یاران غار مشهور به (مرنو) که

از دوازدهم ماه قمری در میانه‌های چله است، برای اهل حق واجب میباشد.

لازم است توضیح داده شود، چلهٔ اهل حق از تیرماه فرس قدیم آغاز می‌شود

که با ماه آبان بر خورد می کند . شب اول تیرماه فرس قدیم امسال (چهارم آبان) برابر است با دوازدهم ذی قعدة الحرام قمری که شب نیت اهل حق برای روزه گرفتن آن گروه میباشد . پیر بنیامین در اهمیت آن میگوید :

بگیران سه روزه یاران و داوات پادشاهی

هر کس نگیرد سه روز یاران، نکرو داوات پادشاهی

بشش نه میدان چه خرمان دوچیسائی

بگیران سه روزه یاران، بکران داوات پادشاهی

و عشق یاران مرنوی داود و بنیامین و پیر موسی

ترجمه :

بگیرید روزه سه روزه یاران و دعوت پادشاهی را

هر کس نگیرد روزه سه روزه یاران را و انجام ندهد دعوت پادشاهی را

قسمتش را نمی دهند از خرمن فیض آخرت

بگیرید سه روزه یاران را ، انجام دهید دعوت پادشاهی را

به عشق یاران غار نو داود و بنیامین و پیر موسی

داوات پادشاهی یا دعوت پادشاهی اشاره به همان روزه سه روزه است

که سلطان اسحاق پیروانش را برای بجا آوردن و انجام دادن آن دعوت کرده .

سه روز روزه به احترام سه نفر از یاران اوست که در غار همراهش بودند .

روز چهارم جشن اهل حق است بنام سلطان اسحاق و به یاد بیرون آمدن از غار

ورهایی از دشمن . این نکته هم ناگفته نماند که در میانه های چاه افتادن روز

دوازدهم ماه قمری در صورتی آغاز روزه محسوب میشود که اول ماه قمری

و اول تیر ماه فرس قدیم یکی نباشد ، و الا دوازدهم ماه قمری دیگر را باید

روزه گرفت .